

بازخوانی تطبیقی وصیت‌نامه الهی-سیاسی امام(ره) و بیانیه گام دوم

علیرضا میرزایی^۱

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

از دغدغه‌ها و نگرانی‌های مؤسسان و وفاداران به انقلاب‌های سیاسی و اجتماعی استقرار و تثبیت و استمرار و کارآمدی نظام برآمده از انقلاب و استمرار گفتمان انقلابی است. حضرت امام(ره) به‌عنوان بنیان‌گذار و مقام معظم رهبری به‌عنوان مفسر و ادامه‌دهنده مسیر تعیین شده امام(ره)، ضمن واکاوی محتوا، ارزش انقلاب و نظام اسلامی با آسیب‌شناسی هوشمندانه و ریل‌گذاری مناسب، در صدد تضمین مانایی و زدودن آسیب‌های احتمالی هستند. وصیت‌نامه الهی-سیاسی امام(ره) و بیانیه گام دوم انقلاب، مشیر به این هدف متعالی است. هر دو مکتوب ناظر به مآل اندیشی و مهندسی و ترسیم نقشه راه پرمخاطره آینده است. در این پژوهش ضمن بازخوانی هر دو مکتوب ارزشمند با نگاه تطبیقی، وجوه مشترک در خورتوجهی استخراج و عنوان‌گذاری و تحلیل شد. روح هر دو نوشته واحد است؛ گویی فرد واحدی به اقتضای زمان و مکان مختلف، برای آینده انقلاب طرح راهبردی ارائه کرده است. روش ما در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات، روش کتابخانه‌ای است. سپس با رویکرد تطبیقی و تحلیلی، ایده‌های راهبردی دو رهبر انقلاب در طول زمان با توجه به تطورات تاریخی مورد خوانش قرار گرفت.

کلیدواژگان

وصیت‌نامه امام، بیانیه گام دوم، انقلاب، نظام اسلامی، دشمن.

مقدمه

تضمین آینده نظام سیاسی و اعتقادی از دغدغه‌های اصلی مؤسسان و بنیان‌گذاران هر نظامی است. دلواپسی و نگرانی درباره تراثی که به‌جا می‌ماند، امری طبیعی است. نابودی کامل، دگردیدی و استحاله ارزش‌های حاکم بر نظام‌ها از مصادیق بارز نگرانی‌های رهبر اصیل است. جایگزینی و تصدی افراد ناصالح و دگراندیش به‌عنوان رهبر نظام‌های سیاسی و کارگزاران نظام و تفسیر و تأویل ناروای ارزش‌ها و هنجارهای انقلاب و تطبیق به مصادیق غیرواقعی می‌تواند آینده پرچالشی را برای میراث انقلاب رقم بزند. لذا ترسیم نقشه راه و ریل‌گذاری برای حفظ و استكمال تراث ارزشمند به‌جامانده ضروری است.

رسول خدا(ص) به‌عنوان الگو و اسوه کامل قابل تأسی بر اساس رهنمود قرآنی (احزاب: ۲۱)،^۱ دو امر گران‌بها را برای تضمین سلامت آیین و امت خود وصیت کردند. در منابع فریقین، به روایت مشهوری برمی‌خوریم که به حدیث ثقلین معروف است: «در میان شما دو شیء گران‌بها می‌گذارد: کتاب خدای با عزت و جلال و عترت و اهل بیت. آگاه باشید آن دو بازماندگان بعد از من هستند. جدایی ندارند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۱۵). در منابع روایی اهل سنت این حدیث از ابوسعید خدری از رسول‌الله(ص) نقل شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۴م، ج ۴، ص ۵۴: ح ۱۱۲۱۱).

نظام مردم‌سالار مستقر اسلامی، تجلی مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی است. دین و حکومت با رهبری افراد شایسته و صالح موجب صیانت هر دو بعد و فواید مضاعف می‌شود. هنر انقلاب اسلامی ایران توأم کردن این دو بود.

(قد روی بعضهم عن أحدهم أنه قال الدين والسلطان أخوان توأمان لا بد لكل واحد منهما من صاحبه والدين أس والسلطان حارس وما لا أس له منهدم وما لا حارس له ضائع) (ابن نعمان عکبری بغدادی، ۱۴۱۳ق: ۲۶۳).

بعضی روایان از یکی از دو امام (امام باقر و امام صادق(ع)) نقل کرده‌اند که دین و حکومت دو برادر همراه‌اند. هریک دیگری را لازم دارد. دین اساس و بنیان اصلی است و حکومت پاسدار و نگه‌دارنده است. چیزی که اساس ندارد فرومی‌ریزد و چیزی که نگهبان ندارد نابود می‌شود.

۱. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب: ۲۱)؛ درحالی‌که شما می‌توانستید به رسول خدا(ص) به خوبی تأسی کنید، و این وظیفه هر کسی است که امید به خدا و روز جزا دارد، و بسیار یاد خدا می‌کند.»

انقلاب اسلامی و نظام مردم‌سالار دینی برآمده از آن، ضمن هویت‌بخشی به سیاست و مدیریت اسلامی، در تعیین معادلات منطقه‌ای و جهانی و بازتعریف بلوک‌های قدرت نقش مهمی داشت.

نیکسون در کتاب پیروزی بدون جنگ نکات قابل تأملی درباره انقلاب اسلامی ایران و جنبش اسلامی ملهم از آن با عنوان «اسلام سیاسی و بنیادگرا» بیان کرده است: «در جهان اسلام، از مغرب تا اندونزی، بنیادگرایی اسلامی جای کمونیسم را به‌عنوان وسیله اصلی برای تغییر خشونت‌آمیز گرفته است» (نیکسون، ۱۳۶۸: ۳۳۸).

رهبران انقلاب دغدغه حکیمانه و مآل‌اندیشانه‌ای درباره آینده انقلاب و نظام اسلامی و حکومت دینی دارند. لذا با بازخوانی عبرت‌آمیز گذشته، توصیف وضعیت فعلی و ترسیم آینده و انتقال خط فکری خود، در وصیت‌نامه الهی-سیاسی و بیانیه گام دوم، در صدد تضمین آینده انقلاب و نظام سیاسی اسلامی هستند.

در این پژوهش به دو مکتوب فاخر یعنی وصیت‌نامه امام (ره) و بیانیه گام دوم رهبر معظم انقلاب با نگاه تطبیقی عطف توجه شده است. در هر دو مکتوب بر چند نکته اساسی و بنیادی به‌صورت مضمّر و آشکار تأکید شده است.

انقلاب اسلامی با جهان‌بینی و پارادایم گفتمانی جدید، نظام فکری و فرهنگی و سبک زندگی غربی را به تحدی طلبیده است.

نیکسون در اعترافی آشکار به پروژۀ نفوذ و استحاله و دگردیسی به‌صراحت توصیه می‌کند: «تغییر در جهان سوم آغاز شده و بادهای آن به مرحله طوفان رسیده است. ما قادر نیستیم که آن را متوقف کنیم، اما می‌توانیم جهت آن را تغییر دهیم» (نیکسون، ۱۳۶۸: ۳۳۹).

آسیب‌شناسی و ستردن عوامل چالشی درون و برون در این زمان ضرورت تام دارد. نگاه دوررهبر حکیم و فرزانه معطوف به این ضرورت است تا با نگاه سلیمی به عوامل مخرب و نگاه ایجابی به عوامل قوام‌بخش، آینده انقلاب اسلامی تضمین شود و اهداف بلند الهی و انسانی آن محقق شده و پیش‌درآمدی بر تشکیل بلوک فرهنگ و قدرت با ایجاد دولت (فراگیر) اسلامی با جمهوری‌های آزاد و مستقل (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۲۳۰)، در کلام امام خمینی (ره) و بازتولید تمدن نوین اسلامی ([http://farsi.khamenei.ir/message-](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)content?id=41673)، در گفتمان رهبر معظم انقلاب اسلامی باشد.



انقلاب اسلامی؛ حقیقتی بر تارک زمان

وقوع انقلاب مبتنی بر انگاره‌ها و اصول و مبانی دینی در ثلث آخر قرن بیستم میلادی، واقعه‌ای سخت‌باور و پدیده‌ای کم‌نظیر بود. مذهب به‌عنوان پیشران جامعه انسانی حتی در کشورها و ملل مسلمانان، مورد توجه نبود. جوامع اسلامی در کلیت سکولاریسم و عرفی‌گرایی لیبرالی غربی و کمونیستی منفعل بودند و پذیرش وقوع انقلابی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی ناشی از آموزه‌های اسلامی با رهبری روحانیان دشوار می‌نمود. اغلب نخبگان مسلمان، یا به لیبرالیسم غربی و محافظه‌کاری در اجتماع خو کرده بودند یا اگر دغدغه تغییر داشتند، به شعارهای پرجاذبه مارکسیسم و کمونیسم دل بسته بودند.

در جهان اسلام، نهضت رجعت به خویشتن اسلامی شتاب فزاینده‌ای گرفت و بعد از چهار دهه از وقوع انقلاب اسلامی با ماهیت دینی با محوریت ایران و اسلام انقلابی و سیاسی، به‌عنوان جبهه مقاومت، تبدیل به کنشگری فعال، بابرنامه، هدفمند و معطوف به آینده امیدبخش شده است.

در نوشته‌های رهبر انقلاب و مقام منیع ولایت، وجود انقلابی بی‌نظیر و معطوف به بن‌مایه‌های دینی مورد تأکید ویژه است.

امام‌راحل (ره) در وصیت‌نامه خود انقلاب اسلامی را امید اصلی و الهام‌بخش میلیون‌ها نفر از مسلمانان و مستضعفان معرفی می‌کنند: «اهمیت انقلاب شکوهمند اسلامی که دستاورد میلیون‌ها انسان ارزشمند و هزاران شهید جاوید آن و آسیب‌دیدگان عزیز، این شهیدان زنده، است و مورد امید میلیون‌ها مسلمانان و مستضعفان جهان است، به‌قدری است که ارزیابی آن از عهده قلم و بیان والاتر و برتر است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۵).

رهبر معظم انقلاب به وصف این جنبه از انقلاب تأکید ویژه دارند: «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به‌شدت تحقیر شده و به‌شدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ ... روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکا به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد.»

آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست ([hatt://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)).



رمز پیروزی و بقای انقلاب اسلامی

به عقیده حکما و متکلمان، عوامل مبقیه پدیده همان عوامل محدثه است. عوامل ایجادکننده هر پدیده‌ای، استمراربخش آن نیز هستند.

هر ممکن، در حدوث و بقا، هر دو، محتاج است به علت محدثه و مبقیه (سبزواری، بی تا: ۵۱۳؛ اسفراینی، بی تا: ۸۹؛ حسن زاده آملی، بی تا، ج ۶: ۱۹۰).

پدیده‌ها و امور اجتماعی بر اساس نظریه جامعه‌شناسان در بافتی از عوامل ترکیبی ایجاد می‌شوند: «هر پدیده یا امر اجتماعی که در نظر گرفته شود مسلماً زائیده ارتباط متقابل است که مابین افراد اجتماع و طبیعت و مابین خود افراد اجتماع از سوی دیگر موجود است» (مرتضوی، ۱۳۵۹: ۱۴).

انقلاب اسلامی به عنوان پدیده اجتماعی از این قاعده مستثنا نیست: عواملی آن را به وجود آورد و همان عوامل با اقتضانات جدید عوامل استمراربخش آن خواهد بود.

رهبر انقلاب و مؤسس نظام جمهوری اسلامی دو عامل رکنی که عوامل زیادی از آن آنها منتشی می‌شود عوامل اصلی احداث و انقلاب معرفی می‌کنند: «بی تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن، انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی، و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۶).

مقصد عالی حکومت اسلامی اجرای عدالت و تعظیم شعائر دینی و برپایی معالم و حیانی است. در این فقره وجود رهبر صالح دینی و نخبگان همراه و توده همگام لازم است؛ زیرا قوائم اصلی حکومت اسلامی با آنها به‌پا داشته می‌شود: «ما رسولان خود را همراه با معجزات روشن گسیل داشتیم، و با ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم را به عدالت خوی دهند» (حدید: ۲۵)؛ «اگر در زمین استقرارشان دهیم، نماز به‌پا کنند و زکات دهند و به معروف و ادارند و از منکر بازدارند» (حج: ۴۱).

حکومت امیرالمؤمنین علی (ع) تجسم حکومت واقعی الهی است و حضرت اهداف بلند حکومتش را در مانیفست و مرامنامه حکومتی در نامه ۵۳ به مالک اشتر مشخص کرده‌اند. اخذ مالیات مصر (حوزه حکومتی) و جهاد و نبرد مقدس با دشمنان آن سرزمین و اصلاح مردم و ساختن و معمور کردن آن منطقه، از مأموریت‌های اصلی حکومت اسلامی است (نهج البلاغه: نامه ۵۳؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴/۱۳۶۳ش: ۱۲۶).

در این چهار فرمان، نظام مالی صحیح و متناسب، امنیت ملی، اصلاح فرهنگ عمومی و آبادانی و پیشرفت، مد نظر است.

حضرت علی(ع) در خطبه‌ای از نهج البلاغه با رویکرد استکمالی و پیش‌برنده، اهداف بلندی را برای حکومت اسلامی معرفی می‌کنند: «خدایا، تو می‌دانی آنچه از ما سر زد، نه به خاطر تمایل به کسب قدرت بود و نه برای به دست آوردن چیزی از مال بی ارزش دنیا، بلکه برای آن بود که نشانه‌های دین تو را به جای خود بازگردانیم و امور شهرها را سامان دهیم تا بندگان ستم‌دیده تو ایمنی یابند و حدود تعطیل شده تو اجرا شود» (نهج البلاغه: خطبه ۱۳۱؛ ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۸: ۲۶۳).

حضور و همراهی توده مردم با هدف متعالی رهبر دینی و وحدت کلمه، از معجزات الهی در تغییرات بنیادی در جوامع بشری است.

امیر مؤمنان علی(ع) یک‌پارچگی مردم و پرهیز از تفرقه را برای جامعه اسلامی بسیار ضروری می‌دانستند و به آن توصیه می‌فرمودند: «همراه و ملازم باسواد اعظم (توده مردم) باشید. پس به درستی که دست عنایت پروردگار بر سر جماعت است و پرهیزید از تفرقه. پس به درستی که شخصی که تنها شده است از خلق، طعمه شیطان لعین است؛ چنانچه تنها مانده از گوسفندان طعمه گرگ است. آگاه باشید و بدانید هر کسی که بخواند مردمان را به سوی این شعار خارجیان، پس بگشاید او را و اگر چه آن شخص در زیر عمامه من باشد» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۸: ۱۹۵).

یکی از متکلمان معاصر در ترسیم نقش وحدت کلمه مردمی، مطلب جالب نظری بیان کرده است: «بُنَى الإسلام علی کلمتین هما دعامتاه المبدئیتان: کلمة التوحید، وتوحید الکلمه (سبحانی، بی تا، ج ۴: ۹)؛ اسلام بر دو جمله که ستون‌های اصلی هستند بنا شده است: کلمه توحید و خداشناسی و وحدت کلمه.»

امام (ره) نسخه بقای انقلاب را گوشزد می‌کنند: «این جانب به همه نسل‌های حاضر و آینده وصیت می‌کنم که اگر بخواهید اسلام و حکومت الله برقرار باشد و دست استعمار و استثمارگران خارج و داخل از کشورتان قطع شود، این انگیزه الهی را که خداوند تعالی در قرآن کریم بر آن سفارش فرموده است از دست ندهید: ... امروز و در آتیه نیز آنچه برای ملت ایران و مسلمانان جهان باید مطرح باشد و اهمیت آن را در نظر گیرند، خنثی کردن تبلیغات تفرقه‌افکن خانه‌برانداز است. توصیه این جانب به مسلمین و خصوص ایرانیان به‌ویژه در عصر حاضر، آن است که در



مقابل این توطئه‌ها عکس‌العمل نشان داده و به انسجام و وحدت خود، به هر راه ممکن افزایش دهند و کفار و منافقان را مأیوس نمایند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۶).

رهبر معظم انقلاب بر حضور مردم به‌ویژه جوانان به‌عنوان نیروی پیشران جامعه در استمرار و بقای انقلاب و کارآمدی آن تأکید می‌کنند: «بی‌شک فاصله میان باید‌ها و واقعیت‌ها همواره وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب داده و می‌دهد، اما این فاصله‌ای طی‌شدنی است و در چهل سال گذشته در مواردی بارها طی شده است و بی‌شک در آینده، با حضور نسل جوان مؤمن و دانا و پُرانگیزه، با قدرت بیشتر طی خواهد شد» (-[http://farsi.khamenei.ir/message-](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)).

ماهیت مستقل و نه شرقی و نه غربی انقلاب اسلامی

نظام اسلامی با الهام از نظام امامت به‌عنوان استمرار مدیریت نبوی (ص)، در فقدان ظاهری امام معصوم، مدل ولایت فقیه را پذیرفته است. در این دیدگاه رهبر صالح دینی، قائمه مشروعیت حکومت را تشکیل می‌دهد. در این رویکرد تبعیت نکردن از نظام‌های شرک‌آمیز امروزی و عدم اندکاک در بلوک‌های قدرت مادی و غیرالهی مورد تأکید است؛ همان راه میانه‌ای است که در کلام حضرت علی (ع) در مقابل کج‌روی‌هایی تحت عنوان تمایل به چپ و راست، تعبیر شده است. شرق و غرب در هر زمانی مصداق خودش را دارد. در این زمان تبعیت از بلوک‌های قدرت از مصادیق آن است: «الیمین والشمال مضلة، والطریق الوسطی هی الجاده (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱۵: ۱۷۲)؛ راست و چپ گمراهی است و راه میانه جاده و مسیر اصلی است.»

طبیعی است این هویت ریشه‌دار دینی نمی‌تواند در بلوک‌های قدرت مادی مرسوم بگنجد و نقشه راه سیاسی خودش را دارد. در اصل ۱۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی، هویت مستقل در سیاست خارجی مورد تأکید است (صادقی، ۱۳۹۲: ۹۱).

در منظر بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، نظام اسلامی و ساختار حکومتی آن تفاوت ماهوی با رژیم‌های سیاسی غرب و شرق دارد. نظام اسلامی ایران با بن‌مایه‌های دینی در مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و ساختار حکومتی و سیاست و مدیریت ملهم از آموزه‌های وحیانی است و با نظام‌های معرفتی و سیاسی شرق و غرب تفاوت ماهوی دارد (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۲۰۱).

امام خمینی (ره) بر حفظ ماهیت مستقل در سیاست خارجی تأکید می‌کنند؛ چون ممکن است آسیب‌هایی از ناحیه روابط با دیگران به هویت انقلاب وارد شود: «وصیت من به وزرای خارجه در این زمان و زمان‌های بعد آن است که مسئولیت شما بسیار زیاد است؛ چه در اصلاح و تحول وزارت خانه و سفارت‌خانه‌ها و چه در سیاست خارجی حفظ استقلال و منافع کشور و روابط حسنه با دولت‌هایی که قصد دخالت در امور کشور ما را ندارند» (همان: ۱۹۰).

رهبر معظم انقلاب در ترسیم این ماهیت مستقل می‌نویسند: «پس آن‌گاه انقلاب ملت ایران جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید «اسلام و استکبار» پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد: از سویی نگاه امیدوارانه ملت‌های زیر ستم و جریان‌های آزادی‌خواه جهان و برخی دولت‌های مایل به استقلال، و از سویی نگاه کینه‌ورزانه و بدخواهانه رژیم‌های زورگو و قلدرهای باج‌طلب عالم بدان دوخته شد. بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب فرعون‌های دربستر راحت‌آرمیده را بیدار کرد. دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأییدشده امام عظیم‌الشان ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت امکان‌پذیر نمی‌شد» ([hatt://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)).

ضرورت حفظ خلوص و پالایش نظام اسلامی

پدیده‌های اجتماعی از جمله انقلاب می‌تواند به تدریج از آرمان‌های پویای خود فاصله گیرد و با ورود ناخالصی‌ها گرفتار اعوجاج و اضطراب شود. حفظ خلوص انقلاب و پایداری بر هویت اصیل آن ضروری است.

انبیا: در مقابل درخواست تقلیل، کاهش، آمیختگی دین با عناصر غیردینی و التقاط، به حفظ خلوص دینی تأکید می‌کردند و به شدت موضع سلبی می‌گرفتند (یونس: ۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۶۴۸).

بر اساس آموزه‌های قرآنی و نبوی، حضرت امام؛ در هشدار تاریخی به خلوص در انقلاب تأکید ویژه دارند: «من اکنون به ملت‌های شریف ستم‌دیده و به ملت عزیز ایران توصیه



می‌کنم که از این راه مستقیم الهی که نه به شرق ملحد و نه به غرب ستمگر کافر وابسته است، بلکه به صراطی که خداوند به آنها نصیب فرموده است محکم و استوار و متعهد و پایدار پایبند بوده، و لحظه‌[ای] از شکر این نعمت غفلت نکرده و دست‌های ناپاک عمال ابرقدرت‌ها، چه عمال خارجی و چه عمال داخلی بدتر از خارجی، تزلزلی در نیت پاک و اراده آهنین آنان رخنه نکند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۳).

در پارادایم گفتمانی امام خمینی (ره) پروژه عدم خلوص ممکن است از بالاترین سطوح نظام آغاز شود و به سطوح نازل تسری یابد. ایشان در هشدار معنادار، به رهبران آینده انقلاب توصیه می‌کنند: «وصیت این‌جانب به رهبر و شورای رهبری در این عصر که عصر تهاجم ابرقدرت‌ها و وابستگان به آنان در داخل و خارج کشور به جمهوری اسلامی و درحقیقت به اسلام است در پوشش جمهوری اسلامی و در عصرهای آینده، آن است که خود را وقف در خدمت به اسلام و جمهوری اسلامی و محرومان و مستضعفان بنمایند و گمان ننمایند که رهبری فی‌نفسه برای آنان تحفه‌ای است و مقام‌الایبی، بلکه وظیفه سنگین و خطرناکی است که لغزش در آن اگر خدای‌نخواسته با هوای نفس باشد، ننگ ابدی در این دنیا و آتش غضب خدای قهار در جهان دیگر در پی دارد» (همان: ۱۸۸).

مقام معظم به‌عنوان مفسر و استمراردهنده راه امام (ره)، بر خلوص انقلاب تأکید خاص دارند: «از میان همه ملت‌های زیر ستم، کمتر ملتی به انقلاب همت می‌گمارد و در میان ملت‌هایی که به‌پاخاسته و انقلاب کرده‌اند کمتر دیده شده که توانسته باشند کار را به نهایت رسانده و به‌جز تغییر حکومت‌ها، آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند. اما انقلاب پُرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به‌نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).



تأکید بر دانش پایه بودن پیشرفت‌های پایدار

راه توسعه و پیشرفت متوازن کشور بر پایه دانش و علم است. به همین دلیل دانش و مراکز علمی و کوشش و تکاپوی جهاد علمی، موضوعیت دارد. این امر محوری مورد تأکید رهبر انقلاب است.

در منابع دینی به اهمیت دانش و فرادست شدن مردمی که به دانش اصلی و روز دست یافته‌اند توجه داده شده است: «العلم سلطان من وجده صال به ومن لم یجده صیل علیه (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰: ۳۱۹)؛ دانش و علم موجب برتری و قدرت است. انسانی که به آن دست یافت غلبه می‌کند و پیروز می‌شود و کسی که به علم دست نیافت مغلوب می‌گردد.»

امام خمینی (ره) راه‌حل اصلی مشکلات کشور را به صورت بنیادی در پالایش و صیانت و همراهی مراکز علمی و دانشگاهی می‌داند: «در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشاند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنویشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. پس اکنون که دانشگاه‌ها و دانشسراها در دست اصلاح و پاک‌سازی است، بر همه ما لازم است با متصدیان کمک کنیم و برای همیشه نگذاریم دانشگاه‌ها به انحراف کشیده شود» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۸۵).

«وصیت این‌جانب به جوانان عزیز دانشسراها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها آن است که خودشان شجاعانه در مقابل انحرافات قیام نمایند تا استقلال و آزادی خود و کشور و ملت خودشان مصون باشد» (همان: ۱۹۲).

رهبر معظم انقلاب به جایگاه علم در پیشرفت کشور و رهایی و برون‌رفت از مشکلات تأکید ویژه دارند: «دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. ... به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافل‌گیرکننده بود، یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان، به پیش رفته است. اما آنچه من می‌خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه اهمیتش، فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر. ما هنوز از



قله‌های دانش جهان بسیار عقیم. باید به قله‌ها دست یابیم. باید از مرزهای کنونی دانش در مهم‌ترین رشته‌ها عبور کنیم» (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

پویایی و بالندگی نظام اسلامی

در رویکرد عده‌ای از سیاست‌مداران و جامعه‌شناسان، تکاپوی انقلاب‌های سیاسی-اجتماعی پس از استقرار نظام سیاسی مدنظر، از بین می‌رود و انقلابیون به محافظه‌کاری روی می‌آورند. در حکومت مستقر رفتار انقلابی نوعی خودستیزی و ممشای پارادکسیکال است. نظریه استمرار انقلاب و نظام انقلابی، با وجود تشکیل حکومت دینی، از ابداعات رهبر نظام اسلامی است و از انگاره‌های دینی اخذ شده است.

در آموزه‌های اسلامی چند کلیدواژه اساسی وجود دارد که در استمرار رهبری دینی در دوره غیبت و بالندگی مستمر نظام سیاسی ولایی نقش بنیادی دارد. این واژگان ارتباط تغذیه‌ای و آوندی دارند و شناخت آنها در فهم نظام انقلابی نقش عمده‌ای دارند. بعثت، غدیر، عاشورا، انتظار مثبت و جامعه مهدویت مفاهیم بنیادی اندیشه اسلامی و شیعی است که در تبیین وضعیت موجود دخالت تام دارد.

بعثت سرآغاز رستاخیز فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که با آن مدل کامل زیست انسانی از جانب خداوند به جامعه بشری عرضه و تمام تعالیم از آن منتشی می‌شود. پروژه غدیر تدبیری برای استمرار مدیریت الهی و دینی است که در ولّی صالح متجلی است. واقعه عاشورا کنشی فعال به انحراف در مدیریت کلان در جامعه اسلامی بود و به‌عنوان موتور پیشران حرکت‌های اسلامی در تاریخ مسلمانان الهام‌بخش حرکت‌های انقلابی است: «باید فاتحه اسلام و مسلمانی را خواند و با آن وداع گفت، آن‌گاه که جامعه و مردم دچار زمامدار و رهبری همانند یزید گردند» (ابن نما حلی، ۱۴۰۶: ق: ۲۵).

انتظار مثبت و سازنده و پویا عدم اقبال به وضعیت موجود است. فرجام خوش تاریخ با جامعه مهدویت محقق می‌شود و ظرفیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی دین کامل و خاتم به منصفه ظهور می‌رسد.

در نگاه دینی مدل کامل حکومت در نظام مهدوی در پروژه آخرالزمان قابل تحقق است. لذا هر نظام سیاسی در دوره غیبت کبرا، مدل کامل نخواهد بود، بلکه حکومت دینی تحت



عنوان ولایت فقیه تقرب و تشبه به آن حکومت نهایی است.

امام خمینی (ره) در وصیت خود با واقع بینی حکیمانه می نویسد: «این جانب هیچ گاه نگفته و نمی گویم که امروز در این جمهوری به اسلام بزرگ با همه ابعادش عمل می شود و اشخاصی از روی جهالت و عقده و بی انضباطی برخلاف مقررات اسلام عمل نمی کنند؛ لکن عرض می کنم که قوه مقننه و قضائیه و اجراییه با زحمات جان فرسا کوشش در اسلامی کردن این کشور می کنند» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۸۱).

رهبر معظم و فرزانه انقلاب اسلامی را پدیده ای پویا و پیش رونده می دانند که در سیر استکمالی خود است و به تغییرات و بازخوانی برای شتاب و استقامت در سیر کمالی خود واکنش مثبت نشان می دهد: «انقلاب اسلامی همچون پدیده ای زنده و بااراده، همواره دارای انعطاف و آماده تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. به نقدها حساسیت مثبت نشان می دهد و آن را نعمت خدا و هشدار به صاحبان حرف های بی عمل می شمارد، اما به هیچ بهانه ای از ارزش هایش که بحمدالله با ایمان دینی مردم آمیخته است فاصله نمی گیرد. انقلاب اسلامی پس از نظام سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند، بلکه از نظریه نظام انقلابی تا ابد دفاع می کند» ([hatt://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)).

خودباوری و تکیه بر توانمندی های خودی؛ بن مایه اصلی پیشرفت

امام خمینی (ره) شعار متعالی عبارت «ما می توانیم» را در عمل متجلی کردند و نهضت بازگشت به خویشتن اسلامی را در سرزمین های مسلمانان حیات مجدد بخشیدند. این امر در وصیت نامه ایشان تجلی بارزی دارد. ایشان معتقدند متخصصان در شرایط سخت جنگ ثابت کردند که اگر بخواهیم می توانیم: «با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی ها قیام کنید» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۸۵).

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم به این آموزه بارز و فاخر حضرت امام (ره) تأکید ویژه دارند: «به رغم همه این مشکلات طاقت فرسا، جمهوری اسلامی روزبه روز گام های بلندتر و استوارتری به جلو برداشت. این چهل سال شاهد جهادهای بزرگ و افتخارات درخشان و پیشرفت های شگفت آور در ایران اسلامی است. ... مدیریت های جهادی الهام گرفته از ایمان



اسلامی و اعتقاد به اصل «مامی توانیم» که امام بزرگوار به همه ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه عرصه‌ها رسانید» (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). ایشان در ترسیم خصوصیت خودباوری می‌نویسند: «انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد» (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

نیروی جوان؛ پیشران اصلی موتور پیشرفت کشور

امام خمینی (ره) تأکید ویژه بر مشارکت حداکثری جوانان در سرنوشت کشور و خدمت بی‌منت دارند و از هدررفت این ظرفیت بالا در گرایش‌های انحرافی نگران‌اند: «نصیحت مشفقانه من به شما نوجوانان و جوانان داخل و خارج آن است که از راه اشتباه برگردید و با محرومین جامعه که با جان و دل به جمهوری اسلامی خدمت می‌کنند متحد شوید و برای ایران مستقل و آزاد فعالیت نمایید تا کشور و ملت از شر مخالفین نجات پیدا کند، و همه باهم به زندگی شرافتمندانه ادامه دهید» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۹۷).

مقام معظم رهبری با احصای ظرفیت‌های معطوف به جوانان، راه پیشرفت را متکی به عزم و اراده جوانان می‌داند: «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر چهل سال که بخش مهمی از آن نتیجه موج جمعیتی ایجادشده در دهه شصت است، فرصت ارزشمندی برای کشور است» (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

پیام جهانی ولایت و انقلاب

پژواک و ترنم جان‌فزای کلام رهبر انقلاب، گوش‌های حق‌شنو بسیاری را در دنیا به خود معطوف کرده است. پیام انقلاب از جغرافیای ایران و حتی مرزهای اعتقادی فراتر رفته و اکثر احرار و آزادی‌خواهان جهان را جذب کرده است. امام راحل (ره) وصیت خود را که برای ابقای انقلاب اسلامی است جهانی می‌دانند و مخاطبشان را ملل اسلامی و مظلومان جهان معرفی می‌کنند: «آنچه لازم است تذکر دهم آن است که وصیت سیاسی-الهی این جانب اختصاص به ملت عظیم‌الشان ایران ندارد، بلکه توصیه به جمیع ملل اسلامی و مظلومان جهان از هر ملت و مذهب می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۳).



در همین راستا امام خمینی (ره) وصیت‌نامه خود را معطوف به مسلمانان سراسر جهان و تمام احرار و آزادگان عالم می‌کند: «وصیت من به همه مسلمانان و مستضعفان جهان این است که شماها نباید بنشینید و منتظر آن باشید که حکام و دست‌اندرکاران کشورتان یا قدرت‌های خارجی بیایند و برای شما استقلال و آزادی را تحفه بیاورند... و شما ای مستضعفان جهان و ای کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان، به‌پا خیزید و حق را با چنگ و دندان بگیرید و از هیاهوی تبلیغاتی ابرقدرت‌ها و عمال سرسپرده آنان نترسید، به امید آن روز که خداوند تعالی وعده فرموده است» (همان: ۲۰۳).

کاربرد واژه «تمدن نوین اسلامی» ([hatt://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)) از سوی رهبر معظم انقلاب هوشمندانه و برای ائتلافی گسترده در جهان اسلامی به‌کار رفته است.

مدیریت ناشی از انقلاب، با تدابیر داهیه‌انه و اصولی، جبهه گسترده‌ای از مسلمانان مبارز و آرمان‌خواه را در برابر فعالیت‌های موزیانه استکبار هدایت می‌کند و قدرت دشمن‌آزاری دارد: «ایران مقتدر امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌روست، اما با تفاوتی کاملاً معنادار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برجیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است» ([hatt://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673)).

امدادهای الهی در پیروزی و استمرار انقلاب

امداد و کمک‌های خاص الهی در مسیر حقانی، مورد تصریح قرآن و از سنت‌های جاری و قطعی الهی است (محمد: ۷؛ عنکبوت: ۶۹).

حضرت امام (ره) ماهیت انقلاب را الهی و حدوث و بقایش را با عنایت ربانی می‌دانند: «این انقلاب بزرگ که دست جهان‌خواران و ستمگران را از ایران بزرگ کوتاه کرد، با تأییدات غیبی الهی پیروز گردید» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۶).

امام (ره) نصرت الهی را سنتی ثابت به دنبال کوشش و فعل اختیاری انسان‌های مؤمن می‌داند: «از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید که «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ



يُنصُرْكُمْ وَيَبْتَأْ أَعْدَاءَكُمْ» و در مشکلات دولت جمهوری اسلامی با جان و دل شریک و در رفع آنها کوشا باشید» (همان).

از نظر رهبر معظم انقلاب، رهبری مؤید به امداد الهی و ایمان عظیم ملت، موجب تاب‌آوری در مقابل انواع دشمنی‌ها شده است: «بدین‌گونه مسیر جهان تغییر یافت و زلزله انقلاب فرعون‌های در بستر راحت‌آرمیده را بیدار کرد؛ دشمنی‌ها با همه شدت آغاز شد و اگر نبود قدرت عظیم ایمان و انگیزه این ملت و رهبری آسمانی و تأیید شده امام عظیم‌الشأن ما، تاب آوردن در برابر آن همه خصومت و شقاوت و توطئه و خباثت امکان‌پذیر نمی‌شد»
(<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

ارزش والای انقلاب و نظام سیاسی و حکومتی ناشی از آن

به‌خاطر تأثیرهای دامنه‌دار نظام سیاسی و حاکمیت در جامعه و مردم، در ادبیات و گفت‌وگوهای پیشوایان دین و ائمه مسلمین، حکومت اهمیت بی‌بدیلی دارد. حکومت جهت‌گیری اصلی و تعیین اولویت‌ها را عهده‌دار است و منشأ اصلی هنجارسازی در جامعه است. به همین دلیل در روایت‌های اسلامی اهمیت آن گوشزد شده است.

وقایع تاریخی و تمدنی هم حاکی از تأثیر عمیق و دامنه‌دار حکومت در ادبیات، گفتمان، ممشای فردی و اجتماعی و فرهنگی مردم است.

به دلیل وجود حکومت و دسترسی به منابع مالی و تبلیغاتی است که در زمان حکومت معاویه، شخصیت ممتاز علی(ع) مورد تعرض تبلیغاتی قرار گرفت. اگر بنی‌امیه، دشمنان تابلودار اسلام، به حاکمیت نمی‌رسیدند، توان انحراف ذهن مسلمانان به‌ویژه ساکنان حوزه شامات را درباره علی(ع) نداشتند.

بر اساس منابع روایی اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت، امام علی بن ابی‌طالب(ع) دارای فضایل بی‌نظیر بودند و تعدادی از آنان تصریح کرده‌اند که افضل انسان‌ها بعد از رسول خدا(ص) ایشان هستند (فاضل مقداد، بی‌تا: ۲۵۳؛ نسائی، بی‌تا: ۲۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۴۰؛ قاضی عبدالجبار، بی‌تا: ۵۲۰؛ ابن مرتضی، بی‌تا: ۸۶؛ سبط بن جوزی، بی‌تا: ۱۶۶؛ الهیتمی المکی، ۱۳۸۵ش / ۱۹۶۵م: ۱۲۱؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ج ۴: ۸۱؛ الحاکم النیشابوری، ۱۴۱۱ق / ۱۹۹۰م، ج ۳: ۳۲۲؛ ابن‌الجوزی، بی‌تا: ۱۶۳).



با این حال در جامعه دینی به راحتی در برهه‌ای از زمان در اماکن مقدسی مثل مسجد و خطبه‌ها به ایشان اهانت صورت می‌گرفت.

امام علی بن حسین (ع) درباره دو نوع متفاوت از حکومت و کارکردهای آنها در جامعه مطالب مهمی را فرموده‌اند به این مضمون که در حکومت عدل دین بر پا داشته می‌شود و در حکومت جور دین به کهنگی می‌رسد (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۱: ۴۱؛ ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق / ۱۳۶۳ش: ۳۳۲؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷: ۸۳). در منابع متأخر حدیثی محتوای متن ذکر شده با مختصر تفاوت و به صورت تلخیص شده آمده است.

با عطف توجه به مطاوی و معانی مندرج در روایت‌های اهل بیت:، انقلاب اسلامی و نظام اسلامی، دارای ارزش متعالی و الهی است و ضرورت دارد از آن به صورت کامل صیانت شود.

امام خمینی (ره) درباره ارزش انقلاب اسلامی می‌فرماید: «اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن، سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاولگری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند؛ و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار ننموده است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۶).

رهبر معظم انقلاب در ترسیم جایگاه انقلاب و حاکمیت اسلامی و ثمرهای مترتب بر آن تصریحات روشنی دارند: «انقلاب اسلامی و نظام برخاسته از آن، از نقطه صفر آغاز شد. ... انقلابیون اسلامی بدون سرمشق و تجربه آغاز کردند و ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن، جز با هدایت الهی و قلب نورانی و اندیشه بزرگ امام خمینی (ره)، به دست نیامد و این نخستین درخشش انقلاب بود» (hatt://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673).

در جایی دیگر از بیانیه گام دوم، ایشان می‌نویسند: «انقلاب ملت ایران جهان دوقطبی آن روز را به جهان سه‌قطبی تبدیل کرد و سپس با سقوط و حذف شوروی و اقمارش و پدید آمدن



قطب‌های جدید قدرت، تقابل دوگانه جدید اسلام و استکبار پدیده برجسته جهان معاصر و کانون توجه جهانیان شد» (hatt://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673).

آینده امیدبخش برای انقلاب و نظام اسلامی

روح حاکم به هر دو نوشته در وصیت‌نامه و بیانیه گام دوم، امید و رجا واثق به آینده انقلاب اسلامی است. مشکلات ناشی از کارشکنی دشمنان خارجی و داخلی، ممکن است عده‌ای را در ادامه مسیر انقلاب دچار وسوسه کند. سم مهلک هر انگاره و اندیشه و طرح و نظام اعتقادی و سیاسی، یأس از آینده امیدوارانه است. تمرکز بر ایجاد سرخوردگی از نظام اسلامی و ایجاد خلأ روانی، با هوشمندی خاصی طراحی شده است. در خلأ روانی افراد و نظام‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی از توان اصلی و داشته خود نمی‌توانند استفاده کنند و از کنشگری فعال در برابر دشمن به جریانی منفعل و تأثیرپذیر تبدیل می‌شوند. شاید دستگاه تبلیغی دشمنان بیش از سربازان و جنگجویانشان در خدمت نظام سلطه باشند.

امام خمینی (ره) در تمام عمر خود با این شیوه با دشمن مبارزه روشنگرانه نمودند و در وصیت‌نامه الهی-سیاسی خود بر آن تأکید ویژه کردند: «از توطئه‌های مهمی که در قرن اخیر، خصوصاً در دهه‌های معاصر، و به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب آشکارا به چشم می‌خورد، تبلیغات دامنه‌دار با ابعاد مختلف برای مایوس نمودن ملت‌ها و خصوصاً ملت فداکار ایران از اسلام است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۱۷۷).

مقام معظم رهبری نبود یأس و سرخوردگی از نظام اسلامی را خصوصیت بارز مردم دین‌مدار ایران می‌دانند: «هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمده، از روی‌گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پابندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها» (hatt://farsi.khamenei.ir/ message-content?id=41673).

کهنه نشدن شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی

ابتنای انقلاب بر فطرت اسلامی و دین حنیف و پاک و الهی، رمز اصلی صیورورت نوشونده اوست. با وجود کهن‌سالی پس از سپری کردن بلوغ و کمال چهل‌ساله اول، کهنه نمی‌شود و طراوت اولیه با تجارب ارزشمند به باروری اش کمک می‌کند: «پس روی خود به سوی دین حنیف کن که مطابق فطرت خداست؛ فطرتی که خدا بشر را بر آن فطرت آفریده و در آفرینش خدا دگرگونگی نیست. این است دین مستقیم، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند» (روم: ۳۰).

امام خمینی (ره) با الهام از کتاب و سنت نبوی و سیره اهل‌بیت، هدف غایی انقلاب اسلامی را نجات بشر می‌داند؛ چراکه شعارها و آرمان‌های انقلاب بر سنت‌های تغییرپذیر و حنیف الهی بنیاد نهاده شده است. «ما مفتخریم و ملت عزیز سرتاپا متعهد به اسلام و قرآن مفتخر است که پیرو مذهبیهی است که می‌خواهد حقایق قرآنی، که سراسر آن از وحدت بین مسلمین، بلکه بشریت دم می‌زند، از مقبره‌ها و گورستان‌ها نجات داده و به‌عنوان بزرگ‌ترین نسخه نجات‌دهنده بشر از جمیع قیودی که بر پای و دست و قلب و عقل او پیچیده است و او را به سوی فنا و نیستی و بردگی و بندگی طاغوتیان می‌کشاند نجات دهد؛ و ما مفتخریم که پیرو مذهبیهی هستیم که رسول خدا (ص) مؤسس آن به امر خداوند تعالی بوده» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲: ۱۷۱).

مقام معظم رهبری معتقدند برای شعارهای مبتنی بر شعور دینی، تاریخ مصرف قابل تصور نیست و آنها به دلیل ابتنای بر فطرت الهی، جاودانی‌اند: «برای همه‌چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثناست: آنها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد؛ زیرا فطرت بشر در همه عصرها با آن سرشته است» (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

فرجام خوش انقلاب و نظام اسلامی

آینده محتوم جهان متعلق به حق‌طلبان و پیروزی قاطع و حتمی دینی است. آیات و روایات متعددی مشعر به آن است (انبیاء: ۱۰۵؛ فتح: ۲۸؛ صف: ۹؛ ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۳۱۸؛ ابن حیون، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۳۶۵).



امام خمینی (ره) با روشن بینی و اعتماد به امت می نویسد: «این جانب با آنچه در ملت عزیز از بیداری و هوشیاری و تعهد و فداکاری و روح مقاومت و صلابت در راه حق می بینم و امید آن دارم که به فضل خداوند متعال این معانی انسانی به اعقاب ملت منتقل شود و نسلاً بعد نسل بر آن افزوده گردد» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹، ج ۲۱: ۲۰۴).

مقام معظم رهبری آینده روشن و درخشان انقلاب را با مهندسی کلامی خاص و امیدوارانه پیش بینی می کنند: «دهه های آینده دهه های شماس و شماید که باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحناfade) است نزدیک کنید» (<http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>).

فرجام سخن

در فرجام با مطلب مهمی این تحقیق را به پایان می بریم. سامانه مدیریتی و نظام کارگزاری در نظام اسلامی از مهام امور است. اجرایی شدن منویات رهبر انقلاب، ربط وثیقی به آن دارد. همچنین کارآمدی نظام اداری و دیوانی که موجب رضایتمندی حداکثری مردم است، منوط به آن است. عملی شدن آن در حوزه اجرایی و قانون گذاری به اراده سیاسی و مشارکت هوشمندانه مردم در انتخاب مسئولان بستگی دارد.

علاوه بر اهلیت اخلاقی، توان مدیریتی از شروط مشارکت در نظام کارگزاری اسلام است و اگر خللی در این مهم ایجاد شود، کارآمدی نظام با مشکل جدی مواجه می شود: «ای مردم، سزاوارترین فرد به این امر (خلافت) کسی است که از همه بر این کار توانا تر و به احکام خدا در این باره دانا تر باشد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳؛ شریف الرضی، ۱۴۱۴ق: ۲۴۸).

حضرت علی (ع)، نماد حاکمیت اسلامی، هم بر شروط اصلی مقام منیع خلافت اسلامی و هم نظام کارگزاری تأکید ویژه می کنند. مشارکت در نظام کارگزاری اسلامی بی ضابطه نمی تواند باشد و هر کسی در این جایگاه حساس صلاحیت حضور ندارد و نمی تواند حائز مقام مدیریت باشد: «مصر به دست دشمن افتاد و محمد بن ابی بکر که خدایش رحمت کند، به شهادت رسید. در پیشگاه خدا او برایم فرزندی خیرخواه، کارگزاری پرتلاش، شمشیری بَران و رکنی دفاع کننده بود» (نهج البلاغه، نامه ۳۵؛ ثقفی، ۱۳۹۵، ج ۲: ۷۶۴).



حکیمی دلیل سقوط پادشاهی و امپراتوری ایران را سامانه نامناسب مدیریتی و فتور و سستی در نظام کارگزاری می‌داند: «خطای بزرگ سپردن اکابر امور به اصاغر عمال است» (هاشمی خویی، ۱۴۰۰ق، ج ۱۱: ۱۴۴). چون در نظام مردم‌سالار دینی بخشی از کارگزاران اصلی به‌ویژه در دوقوه حساس و مهم اجرایی و قانون‌گذاری توسط مردم انتخاب می‌شوند، مشارکت‌جویی متعهدانه و انقلابی و نظارت مؤثر نهادهای مسئول بر ورودی مدیریت‌های اسلامی، آسیب‌های احتمالی را کاهش خواهد داد و به کارآمدی و حیات‌پروری نظام کمک مؤثری خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

رویکرد تطبیقی و تحلیلی به دو مکتوب رهبری انقلاب در وصیت‌نامه الهی-سیاسی امام و بیانیه گام دوم مقام معظم رهبری منتج به نتایج ذیل شد:

۱. مهندسی آینده نظام و کشور باتوجه‌به تجارب گذشته، ضرورت تام دارد؛
۲. نظام اسلامی پدیده‌ای باارزش و بی‌نظیر است؛
۳. این نظام با بن‌مایه دینی و اقبال و حمایت مردمی ایجاد شده و استمرار یافته است؛
۴. پایگاه اصلی تغییرات شتاب‌دهنده، جوانان کشور و جامعه است؛
۵. صیانت از اصل و هویت و خلوص نظام اسلامی ایران از اهم امور است؛
۶. تجلی خواستن توانستن است در حدوث و بقای انقلاب مورد تأکید می‌باشد. واژه «ما می‌توانیم» رمز عبور از بحران‌های دشمن‌ساخته و موجود می‌باشد و اتکا به بن‌مایه‌های خودی و استکشاف ظرفیت‌های داخلی، مسیر روشن پیشرفت و توسعه همه‌جانبه است؛
۷. توسعه پایدار دانش‌بنیان است. اهمیت به مراکز علمی و استقلال و ظرفیت‌سازی در دانشگاه‌ها اولویت راهبردی است؛
۸. آینده امیدبخش در انتظار نظام و کشور است و پیشرفت واقعی منوط به پابندی به آرمان‌های انقلاب اسلامی است؛
۹. پیام انقلاب و نظام اسلامی جهانی است و محدود به جغرافیای خاصی نمی‌شود؛
۱۰. دشمنی استکبار جهانی با انقلاب و پیام آن، امری تاکتیکی نیست، بلکه استراتژیک و راهبردی است؛
۱۱. همت دشمن در زمان استقرار نظام، ناکارآمد کردن آن و جدایی حاکمیت و مردم است؛



۱۲. نفوذ و استحاله و دگردیسی هویت نظام اسلامی از اهم اقدامات دشمن است؛
۱۳. رسیدن به نقطه بازدارنده در تمام عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و...، تنها راه پایان اصولی مزاحمت‌های دشمن است؛
۱۴. دشمن‌شناسی امری ضروری است.

منابع

- قرآن.
- نهج البلاغه.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه لابن ابی‌الحدید (ده‌جلدی)، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
- ابن‌الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن (بی‌تا). مناقب الامام احمد بن حنبل، بیروت، دار الآفاق الجدیده.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأملی (یک‌جلدی)، تهران، کتابچی.
- _____ (۱۳۹۵ق). کمال‌الدین و تمام‌النعمه (دو‌جلدی)، تهران، اسلامیه.
- ابن‌حنبل، احمد (۱۴۱۴ق / ۱۹۹۴م). المسند، بیروت- لبنان، دار الفکر.
- ابن‌حیون، نعمان بن محمد (۱۴۰۹ق). شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار: (سه‌جلدی)، قم، جامعه مدرسین.
- ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق / ۱۳۶۳ش). تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله (یک‌جلدی)، قم، جامعه مدرسین.
- ابن‌مرتضی، احمد بن یحیی (بی‌تا). طبقات‌المعتزله، دار المکتبه‌الحیة.
- ابن‌نما حلی، جعفر بن محمد (۱۴۰۶ق). مشیر الأحران (یک‌جلدی)، قم، مدرسه امام مهدی.
- اسفرائینی، ملا اسماعیل (بی‌تا). انوار العرفان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۹). صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ج ۱.
- الترمذی، محمد بن عیسی بن سوره (۱۴۲۶ق / ۲۰۰۶م). سنن ترمذی، صیدا-بیروت، مکتبه‌العصریه.

- ثقفی، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال (۱۳۹۵ق). الغارات أو الإستنفار و الغارات (دو جلدی)، تهران، انجمن آثار ملی.
- صادقی، حسین (۱۳۹۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم، انتشارات پیام نوآور.
- قاضی عبدالجبار (بی تا). شرح الاصول الخمسه، لبنان - بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحق احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۴.
- الحاکم النیشابوری، حافظ بن ابی عبدالله (۱۴۱۱ق / ۱۹۹۰م). مستدرک علی الصحیحین، تحقیق عبدالقادر عطا، بیروت - لبنان، دار الکتب العلمیه، ج ۳.
- الیهتمی المکی، احمد بن حجر (۱۳۸۵ش / ۱۹۶۵م). الصواعق الحرقه فی الرد علی البدع و الزندقه، مصر، مکتبه القاهره.
- پوپر، کارل (۱۳۷۷). جامعه باز و دشمنان آن، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، انتشارات خوارزمی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه (سی جلدی)، قم، مؤسسه آل البیت:.
- حسن زاده آملی، حسن (بی تا). هزارویک کلمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- سبحانی، جعفر (بی تا). بحوث فی الملل و النحل، مؤسسه نشر اسلامی، قم، مؤسسه الامام الصادق (ع).
- سبزواری، ملاهادی (بی تا). اسرار الحکم، قم، مطبوعات دینی.
- ابن جوزی، سبط (بی تا). خصائص الائمة، مشهد، آستان قدس رضوی.
- شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه (للصبحی صالح) (یک جلدی)، قم، هجرت.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات جامعه مدرسین.
- مقداد، فاضل (بی تا). ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدين، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق). الکافی (پانزده جلدی)، قم، دار الحدیث.



- مرتضوی، جشید (۱۳۵۹). *ضرورت و فلسفه تاریخ*، تهران، انتشارات دانشگاه.
- ابن نعمان عکبری بغدادی (شیخ مفید)، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإختصاص* (یک جلدی)، قم، المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید.
- نسائی، ابو عبدالرحمن (بی تا). *خصائص امیر المؤمنین علی بن ابی طالب*، المكتبة العصرية.
- نیکسون، ریچارد (۱۳۶۸). *پیروزی بدون جنگ*، ترجمه فریدون دولتشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات.

- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰ق). *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة و تکملة منهاج البراعة* (بیست و یک جلدی)، تهران، مكتبة الإسلامیه.

سایت

- [hatt://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673](http://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673).

